



فروشگاه عروسک‌های

جادویی



تدی جادویی من

جسی لیتل
ترجمه‌ی معصومه انصاریان



فهرست

۷

۱۵

۲۰

۲۶

۳۲

۳۶

فصل اول

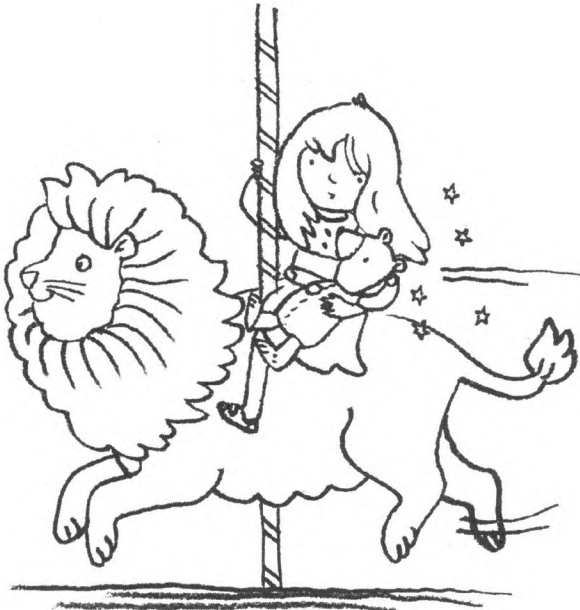
فصل دوم

فصل سوم

فصل چهارم

فصل پنجم

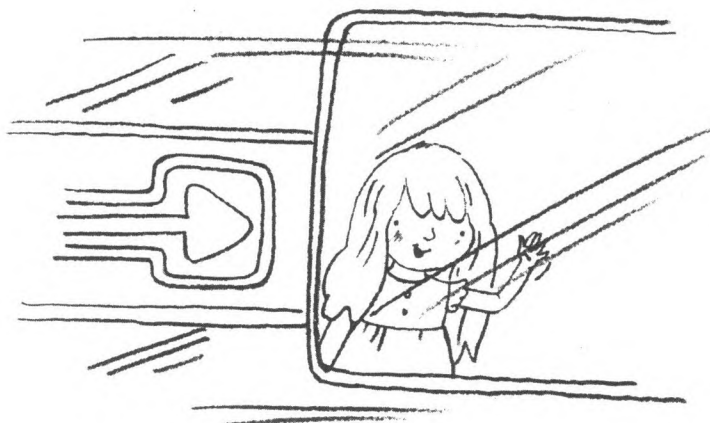
فصل ششم





ویلو تامسون از پنجره‌ی قطار عمه‌اش را دید که روی سکو منتظرشان ایستاده، دیوانه‌وار دست تکان داد و گفت: «آن جاست! دیدمش.» موهای فرفری و بور عمه سوزی پریشان تراز همیشه بود و یک عینک آفتابی خیلی بزرگ هم زده بود.

ویلو گفت: «آخ جان، خیلی خوشحالم!» و هنگامی که قطار در حال توقف در ایستگاه بود، بالا و پایین پرید و با صدای بلند گفت: «کل تابستان کنار دریا با عمه سوزی!»



مادرش در حالی که چمدان‌ها را از قفسه‌ی اثاثیه‌ها در قطار پایین می‌آورد، لبخندی زد و گفت: «در سامرتاون اوقات شگفت‌انگیزی در انتظار شماست.»

فِرِدی با گفتن «جانمی جان اوقات شگفت‌انگیز.» خوشحالی‌اش را ابراز کرد و گفت: «من که دیگر نمی‌توانم بیش‌تر از این برای دیدن فروشگاه عمه سوزی و عروسک‌های جدیدش صبر کنم.» ویلو کیفش را برداشت، مادر را در آغوش گرفت و خداحافظی کرد. روزهای آینده روزهای عجیبی برای بچه‌ها خواهد بود. پدر و مادر ویلو هفت ساله و فِرِدی پنج ساله تمام تابستان از بچه‌ها دورند. آن‌ها قرار است برای یک سفر کاری به خارج بروند.

بعد از پدر و مادرش، عمه سوزی سومین شخص مورد علاقه‌ی ویلو است. او شوخ و بامزه است، بیسکویت‌های شکلاتی خوش‌مزه‌ای درست می‌کند و در طبقه‌ی پایین خانه‌اش یک فروشگاه اسباب‌بازی دارد که پراز انواع اسباب‌بازی‌ها و عروسک‌های

سرگرم‌کننده و دوست‌داشتنی است. ویلو فکر می‌کند این فروشگاه بهترین فروشگاه اسباب‌بازی در سراسر دنیاست. و حالا عمه سوزی با آن لبخند بزرگ برای استقبال به ایستگاه قطار آمده بود. او یک پیراهن قرمز روشن و صندل‌های لانگشتی براقی پوشیده بود با سه گردنبند جورواجور که در نور آفتاب می‌درخشیدند. فریاد زد: «سلام! من این‌جا هستم!» و بازوهایش را دور آن‌ها انداخت. «اوه ویلو





اینجا یک فروشگاه معمولی نیست. این فروشگاه
پراز عروسک‌های جادویی است!
و هر عروسک جادویی به دوستی مخصوص احتیاج دارد.

ویلو و فردی برای وقت‌گذرانی لب دریا در فروشگاه
اسباب‌بازی عمه‌سوزی لحظه‌شماری می‌کنند. اما ماجرا
وقتی شروع می‌شود که آنها با عروسک‌های جادویی
روبه‌رو می‌شوند. فردی، عروسک جادویی، به کمک احتیاج
دارد؛ آیا ویلو و دوستان جدیدش موفق می‌شوند به موقع
او را نجات دهند؟



انتشارات شهرقلم

تلفن: ۶-۷۷۱۸۱۵۴۵ شماره: ۷۷۱۸۱۵۴۷

صندوق پستی: ۱۸۱۹-۱۵۸۷۵

info@shghalam.com

ISBN 978-600-6518-82-4



9 786006 518824

